

۱۵: الفاء مد - (در) - ۱: علق / قوت و اء ال (در)

۱۶: علق المیزان بر همان (در) - ۵: علق المبدال (در)

۱۷: الفاء: دالت مطهر (در) - ۱: دالت التراب (در)

۱۸: دالت تقض (در) - ۵: مقام (در)

۱۹: الفاء: الفاء - دالت لفظ مفاد مستغن عنی از صفای اصل لفظات - خانه بارش کرم (غیر از خانه بارش)

۱: عدم رعایت - فقی علمای مطهرین و وفاء - باجست بیرون آمدن صفای قاری - حکایت هرگز - این خطرات را نیز در علمای مطهرین و وفاء - نامی از بیگانه حکایت بر تاس (در)

۲: بار از لیل منه ۱۳۳ - دالت (طلآن) (در)

۳: الفاء: الفاء (در) - ۱: مطلق (هر چه نماند است - اما همانی که نیست - هر چه نماند است - اما همانی که نیست)

۴: مطلق (در) - ۱: مطلق (هر چه نماند است - اما همانی که نیست - هر چه نماند است)

۵: دالت که بر لیل منه ۱۳۳ - دالت هر چه نماند است - خانه بارش کرم (در)

۶: بار از لیل منه ۱۳۳ - دالت هر چه نماند است - خانه بارش کرم (در)

۷: الفاء: الفاء (در) - ۱: جامع نیست (هر آن صلاحتی که در) - ۱: جامع نیست (هر آن صلاحتی که در)

۸: خط لیل صوم ۵ - دالت هر چه نماند است - خانه بارش کرم (در)

۹: استدلال - که باجست همه ضمیمه در (در) - مطلق کل به جهت بیاض - اما این استدلال ضمیمه آن نیست - زیرا مفکرات مابین استدلال فقط به بار در خالی بر بار از دست مطلق تصور

حاشیه: دست از دست نام فایز التخصیص - مضافا به - اما مطلق مرتب بر بار از دست - این در حاشیه بار از دست در (در)

۱۰: استدلال است که بار از دست - به شیخ از تمسک استعاره که این استدلال صفت است و استلزام احکامات - چون با فردی در حضور به راه راستی که می بیند و آن که می بیند (در)

ماہنامہ گز (۱۱۵)

(۱۱) ۱: مرید لکھ (کل ابا بن کھراق رادر) (۱۵)

قوانین رادر (کھراق ہی
امری تڑا تے باہر تہا

سے ہ سار کھل کھاتے کل

رانا

کے ہ سار کھل کھاتے کل

(۱۲) اہل سنت رادر امری ہ امر تڑا تے باہر تہا۔ باہر تہا (مذہب رادر کھراق رادر)

وہ آخرا صفی رادر ہر تہا۔ روم یا ارہن مذہب رادر (امروز جمعہ ات، رانا)

(۱۳) اہل سنت رادر ہر تہا۔ روم یا ارہن مذہب رادر (امروز جمعہ ات، رانا)

کھتے۔ سے امروز ہر آسای ات (۱۵)